

کتاب کوچه کارگردانان
(۷)



آوندانش

نوشته مونيكا مارر

ترجمة هادی چپر دار

کريشتف کيشلوفسکي

سرشناسه:	مورر، مونیکا، ۱۹۷۰ - م
عنوان و نام پدیدآور:	Maurer, Monika
مشخصات نشر:	کریشتف کیشلوفسکی / نوشته مونیکا مورر؛ ترجمه هادی چپر دار.
مشخصات ظاهری:	تهران: آوند دانش، ۱۳۹۰.
فروست:	۱۷۶ ص: مصور.
شابک:	کتاب کوچک کارگردانان / زیر نظر هادی چپر دار، ۷.
وضعیت فهرست نویسی:	978-964-7114-76-9
یادداشت:	فیفا
یادداشت:	عنوان اصلی: The poet essential Krzysztof Kieslowski, 2000.
یادداشت:	کتاب حاضر اولین بار در ۱۳۸۵ تحت عنوان "سرشت و سرنوشت" منتشر شد.
عنوان دیگر:	سینمای کریشتف کیشلوفسکی "توسط نشر مرکز منتشر شده است.
موضوع:	سرشت و سرنوشت: سینمای کریشتف کیشلوفسکی.
موضوع:	کیشلوفسکی، کریستف، ۱۹۴۱ - ۱۹۹۶ م. -- نقد و تفسیر
موضوع:	سینما -- لهستان -- تهیه کنندگان و کارگردانان -- سرگذشتنامه.
موضوع:	فیلمنامه ها
شناسه افزوده:	چپر دار، هادی، ۱۳۵۳ - مترجم
رده بندی کنگره:	PN ۱۹۹۸/۳ / ۹۷۴۸۱۳۹۰
رده بندی دیویی:	۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۵۰۰۵۸۹



کتاب کوچک کارگردانان: کریشتف کیشلوفسکی

نوشته مونیکا مارز، ترجمه هادی چپر دار

دبیر مجموعه: هادی چپر دار

طراح جلد: مهیار صدر

لیتوگرافی: ترامنگار، چاپ و صحافی: گل آس

نوبت چاپ: دوم، تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۵ (چاپ یکم: تابستان ۱۳۹۱)، ۲۰۰۰ برگه، ۲۰۰۰ جلد

انتشارات آوند دانش: تهران، خیابان پاسداران، خیابان گل‌نبی، خیابان نایب‌الزاده

بن‌بست طلایی، شماره ۴

کد پستی: ۱۹۴۷۷۳۴۴۱، تلفن: ۲۲۸۹۳۹۸۸

پست الکترونیک: info@avand-danesh.com

مرکز پخش: خیابان جمال‌زاده شمالی، کوچه دعوتی، شماره ۱۲، تلفن: ۶۶۵۹۱۹۰۹

بها: ۱۶۰۰۰ تومان

© این کتاب با مجوز ناشر اصلی منتشر شده است.

کلیه حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است.

شابک ۹-۷۶-۷۱۴-۹۶۴-۹۷۸

پیش‌گفتار چاپ دوم

کتاب که پیش از این گردانان برگردان مجموعه‌ای از کتاب‌های راهنماست دربارهٔ فیلم ایران: زرب جهان، با نام *Pocket Essentials* این کتاب‌ها تک‌نگاری‌هایی هستند با الگویی بیش‌وکم ثابت: نویسنده معمولاً با مقاله‌ای در توصیف کلی جهان آثار فیلم‌ساز شروع می‌کند و سپس به تفکیک به سراغ فیلم‌ها می‌رود؛ شناسنامه و داستان هر فیلم ارائه می‌شود و در پی آن، نویسنده در چند بخش به بررسی و تشریح اثر در چند سبب گوناگون (مثل فرم، ایده‌های تصویری، درون‌مایه‌ها، حواشی تولید و غیره) می‌پردازد. در انتهای هر کتاب نیز اطلاعاتی مانند آثار دیگر منتشرشده دربارهٔ فیلم‌ساز ارائه می‌شود؛ مرجعی جمع‌وجور برای سینمادوستان.

کتاب‌های اصلی مصور نیستند، اما برای مخاطب فارسی‌زبان، نماندهٔ این سطور تهیه و افزودن تصاویری از فیلم‌ها و فیلم‌سازان را به‌فراخور متن شایسته دید. تصویر با یادآوری احساس نهفته در اثر می‌تواند به لذت متن بیفزاید یا شاید اگر خواننده فیلمی را ندیده، تجسمی از آن به‌دست دهد.

افزون بر این، گاه افزودن پانویس‌هایی به کتاب اصلی مفید می‌نماید. به‌طبع گاه تعدیل‌هایی نیز برای سازگاری محتوای آثار با قوانین نشر ضروری است. هرچا حذف قابل توجهی صورت گرفته باشد، آن را با علامت [...] مشخص می‌کنیم.

یک مشکل مجموعه فارسی این است که تا کتاب اصلی ترجمه و با گذراندن مراحل زمان بر فنی و قانونی چاپ شود، چه بسا که به پرونده هنرمند فیلم‌های دیگری هم اضافه شده باشد. این مشکل طبیعتاً خاص فیلم‌سازان در قید حیات این مجموعه است و در مورد این کتاب خاص و جناب کیشلوفسکی - افسوس - چنین مشکلی نداریم؛ او در ۱۹۹۴ فیلم‌سازی را کنار گذاشت و در ۱۳ مارس ۱۹۹۶ درگذشت (متولد ۲۷ ژوئن ۱۹۴۱ بود).

کیشلوفسکی یکی از آخرین بازماندگان سینمای مدرن بود. وقتی او در دهه ۹۰ و اوایل ۱۹۹۰ آثار مهمش را می‌ساخت، دیگر برای سینمای شکوهمند مدرن پندان رسمی باقی نمانده بود؛ از سال‌های ترک‌تازی استادان مدرنیسم دست کم یکی دهه گذشته بود و گرایش‌های تازه‌ای آرام‌آرام در کارهای فیلم‌سازان هنرمند نمود می‌یافت. اما کیشلوفسکی انگار مانده بود که در آن آخرین سال‌ها، با سیات سلاف، جلوه دیگری از آن سینمای متعالی را به‌روش خود به‌پرده بکشد. و آثار بین‌بارانده برلند، از قضا در آن سال‌های به‌نسبت کم‌فروغ سینمای هنری، در کنار جناب مخاطبان خاص‌تر، شاید بشود گفت که به‌نسبه اقبال عام هم یافت - چنان که سه سال به‌اش، پس از استقبال شدید در فرانسه، در آمریکا نیز پخش قابل قبولی داشت و می‌شود گفت در ایران نیز، در قیاس با فیلم‌سازان نخبه‌پسند (اگر قایل به چنین صفتی باشیم)، طیف گسترده‌تری از مخاطبان آثار او را دیدند.

ترجمه این کتاب را در نوروز ۸۳ دست گرفتم که به لطف ناشر مترسواران شهر، با قوزکی شکسته خانه‌نشین بودم. نزدیک یک‌سوم متن با نای دگر ترجمه و بعد کار کنار گذاشته شد. علت اصلی وقفه ترجمه البته انتشار نرماه دیگری از کتاب بود (درحالی که آوند دانش حق چاپ آن را قانوناً از ناشر دریافت کرده). همچون تقدیری کیشلوفسکی‌وار، در نوروز ۸۷ باز همان پا شکست و با تورق دیر هنگام ترجمه موجود در بازار، متقاعد شدم کار باید ادامه یابد. کار پیش‌تر رفت و بالاخره در نوروز ۸۹ سرانجام بدون شکستن پا تمام شد - یک رکورد جهانی برای کتابی در این حجم! برای چاپ دوم، متن مجدداً بررسی و موارد معدودی برای روان‌تر خواننده شدن متن تغییر کرد.

یکی از چالش‌های این کتاب برگرداندن اسامی به فارسی بود؛ چه، در زبان

لهستانی اصواتی هست که در فارسی یا انگلیسی به‌طور دقیق وجود ندارند، مثل صدایی شبیه به «چ»، یا صدایی بین «ه» و «خ». شاید دانستنش جالب باشد که در لهستانی صدای Z و Z متفاوت است. انگلیسی‌زبان‌ها، یا نفوذ رسانه‌ای خود، به‌سادگی این اسم‌ها را به هر شکل یا اشکالی که می‌خواهند می‌خوانند یا می‌نویسند، ولی اساس کار ما در فارسی این است که اسم‌های خاص را تا ممکن است نزدیک به زبان اصلی بنویسیم، نه به آنچه انگلیسی‌زبانان می‌گویند. این کار البته در مورد زبان لهستانی دشوار است؛ چنان‌که تاکنون در فارسی به کتابی دربارهٔ کیشلوفسکی برنخورده‌ام که تلفظ اسامی را با دقت ثبت کرده باشد. تلاشم این بود که به‌نحوی شایسته و نسبی به تلفظ‌های اصلی پای‌بند باشم. از این‌رو در این کتاب مثلاً Krzyzanowska را کژزانوفسکا می‌یابید و ch «هی» و «ه» و گاهی «خ» آورده شده. البته در محدود مواردی نیز با پرهیز از تلفظ‌های پیچیدهٔ اصلی، به عرف نام‌ها در فارسی مقید ماندم؛ مهم‌ترینش اسم خود فرامسار که فارسی‌شدهٔ نزدیک‌تر به لهستانی‌اش همان کریشتف کیشلوفسکی است. گریه در لهستانی تلفظش نزدیک به کژیشتف کیشلوفسکی است و انگلیسی‌زبان‌ها هم آن را کریشتف کیشلوفسکی می‌خوانند. یا مثلاً در مورد Jacek که حرف C در آن صدایی شبیه چ (البته خیلی نوک‌زبانی)، یا «تس» دارد، با سخت‌گیری کم‌تر به «سک» رضایت دادیم. وسواس روی اسامی البته با کمک بخش فرهنگی سفارت لهستان در تهران مقدور شد. از آقای رادوسلاو پتلاک (Radosław Pytlak) که این ارتباط را مقدور کرد و خانم کاتارزینا جیرژافسکا (Katarzyna Dzierzawska) که در این کار یاری رساند سپاس‌گزارم.

ادی‌چپر دار

فهرست

دبارة کیشلوفسکی

۱۱

۲۵

۳۳

در آغاز...

کارهای او

۳۴

۳۵

۳۵

۴۰

۴۳

۴۶

۵۲

۵۵

۶۱

زیرگذر عبور (۱۹۰۰)

سوابق کاری (۱۹۰۵)

کارکنان (۱۹۷۵)

زخم (۱۹۷۶)

آرامش (۱۹۷۶)

خوره دوربین (آمانور) (۱۹۷۹)

دولت کاری کوتاه (۱۹۸۱)

بخت بی حساب (۱۹۸۱)

بایانی نیست (۱۹۸۴)

ده فرمان

۶۹

ده فرمان (۱۹۸۸)

فرمان ۱

فرمان ۲

فرمان ۳

فرمان ۴

فرمان ۵

فرمان ۶

فرمان ۷

فرمان ۸

۷۰

۷۰

۷۰

۸۵

۸۹

۹۳

۹۸

۱۰۳

۱۰۷

۱۱۲	فرمان ۹
۱۱۸	فرمان ۱۰
۱۲۳	دوگانه‌ها
۱۲۴	فیلمی کوتاه درباره کشتن (۱۹۸۸)
۱۲۹	فیلمی کوتاه درباره عشق (۱۹۸۸)
۱۳۵	زندگی دوگانه ورونیک (۱۹۹۱)
۱۴۳	سه‌گانه سهرنگ
۱۴۴	سه‌گانه سهرنگ (۱۹۹۳-۹۴)
۱۴۷	سهرنگ ۱ (۱۹۹۳)
۱۵۳	سهرنگ: سفید (۱۹۹۱)
۱۵۸	سهرنگ: قرمز (۱۹۹۴)
۱۶۵	مؤخره
۱۶۹	مراجع